

معاد چیست ؟

معاد، در عقل و فطرت هر انسانی جایگاه قابل توجهی دارد، زیرا کیست که نپرسد و یا نخواهد بداند که آینده انسان و جهان چه می‌شود؟ پایان عمر و تلاش ما به کجا می‌رسد؟ نتیجه و هدف از زندگی چیست ؟ آری این سؤالات برای همه مطرح است. در پاسخ به این سؤالات دو جواب داریم: الف: تمام ادیان ، آینده جهان و انسان و نتیجه کارها و تلاش او را بسیار روشن و امیدوار کننده و روح بخش می‌دانند، قرآن می‌گوید: «وَأَن إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ» (۱) همانا نهایت و پایان به سوی پروردگارت می‌باشد. ب: مکتب‌های مادی، آینده جهان و انسان را بن‌بست، تاریک، فانی و نیستی می‌دانند و این دید بسیار خطرناک و یأس‌آور است، علاوه بر این چنین مکتب‌هایی هیچ گونه دلیل علمی هم برای عقیده خود ندارند. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَىٰ وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (۲) کسانی که ایمان به قیامت ندارند گفتند: زندگی جز همین چند روز دنیا نیست که ما هم در آن مرگ و حیات داریم و بعد هم روزگار ما را نابود می‌کند. ولی این انکار و گفته‌ها روی علم و دلیل نیست، بلکه تنها یک سری وهم و خیالی باطلی است که آنها دارند.

معاد در قرآن :

آیات قرآن کریم، پیرامون اثبات معاد و احتجاج با منکرین آن را می‌توان به پنج دسته، تقسیم کرد:

۱- آیاتی که بر این نکته، تاکید می‌کند که برهانی بر نفی معاد، وجود ندارد. این آیات، به منزله خلع سلاح منکرین است .

۲- آیاتی که به پدیده‌های مشابه معاد، اشاره می‌کند تا جلوی استبعاد را بگیرد.

۳- آیاتی که شبهات منکرین معاد را رد، امکان وقوع آنرا تثبیت می‌کند.

۴- آیاتی که معاد را به عنوان یک وعده حتمی و تخلف ناپذیر الهی، معرفی می‌کند و در واقع، وقوع معاد را از راه اخبار مخبر صادق، اثبات می‌نماید.

۵- آیاتی که اشاره به برهان عقلی بر ضرورت معاد دارد.

در حقیقت، سه دسته اول، ناظر بر امکان معاد؛ و دو دسته اخیر، ناظر به وقوع و ضرورت آن است . مراحل وجود و هستی برای اثبات هر وجود و موجودی سه شرط و مرحله لازم است:

الف: امکان شدن.

ب: دلائل وقوع.

ج: نبود مانع.

بنابراین بهتر است ببینیم اساساً معاد یک واقعیت شدنی است یا نشدنی؟ یعنی آیا از نظر عقل محال نیست؟ و بعد از آنکه امکان آن برای ما روشن شد، دلیل معاد چیست؟ زیرا تنها ممکن بودن کافی نیست، بلکه هر کار ممکنی تا دلیل و علت نداشته باشد واقع نمی‌شود، و در مرحله سوم بحث در این است که مانعی برای معاد نیست.

این سه شرط برای معاد نیز وجود دارد که به ترتیب بیان می‌کنیم:

الف: امکان معاد آیات قرآن برای امکان معاد را می توان به چند گروه تقسیم کرد: گروه اول آیاتی که از طریق اشاره به نظم موجود در جهان ، بیانگر قدرت خداوند در زمینه امکان پذیر بودن معاد می باشد . (سوره احقاف / ۳۳) گروه دوم آیات اشاره دارد به تطورات جنین و دگرگونی های یک نطفه که از آغار طی می کند تا به یک جنین کامل تبدیل شود . (مومنین ، آیات ۱۲ الی ۱۶ و قیامت ، آیات ۳۷ الی ۴۰) گروه سوم آیات ، اشاره دارد به آفرینش نخستین انسان . (عنکبوت / ۱۹ ، اعراف / ۲۹ و یس ، ۱۲۸ الی ۷۹) گروه چهارم از آیات که اشاره دارد به احیای ارض و نباتات در طبیعت و (روم / ۱۹ و ۵۰ ، فصلت / ۳۹) و از سوی دیگر دلایلی وجود دارد که با پاسخ دادن به سؤال افرادی که می پرسند ، چگونه امکان دارد که بدن پوسیده ، دوباره احیاء شود ؟ و آن را دلیل بر به وقوع نیوستن معاد می دانند ، می توان امکان به وقوع پیوستن و حتمی بودن معاد را اثبات نمود . در طول تاریخ، هیچ کس دلیل علمی برای نبودن معاد نیاورده است و تنها چیزی که مخالفان معاد زمزمه می کنند آن است که مگر می شود انسان مرده ای که ذراتش پوسیده و پخش شده است بار دیگر زنده شود؟ آیا این محال نیست؟ پاسخ عقل و قرآن آن است که بدون شک و تردید این کار شدنی است، زیرا هم در فکر قابل تصوّر است و هم دائماً در شبانه روز نمونه هایی از زنده شدن مردگان را به چشم خود می بینیم. گرچه استدلال های ما از قرآن است، لیکن قرآن فکر و عقل ما را دعوت به اندیشه می کند و می گوید: آیا کسی که نمونه های کارش را هر روز و شب و در هر فصل و سال مشاهده می کنید، باز جایی برای استبعاد و انکار عمل و کاری از او وجود دارد؟! امام جواد علیه السلام می فرماید: خوابیدن و بیدار شدن، بهترین نمونه ای است که مردن و زنده شدن را برای ما قابل درک می کند. آری مرگ یک خواب طولانی و شدیدی بیش نیست. بهار و پائیز درختان، نمونه دیگری از زنده شدن و مردن گیاهان است، در سوره فاطر می خوانیم: خداست که بادها را می فرستد تا ابرها را برانگیزد و آنرا به شهرها و مناطق مرده روانه می کند و پس از باریدن، آن شهر مرده را زنده می کند، سپس می فرماید: «كَذَلِكَ النُّشُورُ» (۳) یعنی زنده شدن مردگان هم مانند زنده شدن درختان و گیاهان است. در جای دیگر می فرماید: «وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ» (۴) ما به واسطه باران شهر مرده را زنده کردیم، همچنین است خروج شما در قیامت. بنابراین، نمونه های زنده شدن در آفرینش و جهان هستی هر روز و شب و هر سال و فصل پیش چشم ما می درخشد و مسأله زنده شدن مرده (با آن همه عظمت) را برای ما ساده و ممکن جلوه می دهد.

نمونه های دیگر برای امکان معاد

قرآن برای اثبات زنده شدن مردگان که کار محالی نیست، نمونه های فراوانی را بیان می کند، از جمله:

الف: شخصی استخوان پوسیده ای را از دیوار کند و با فشار دست آن را پودر کرد (و با یک دنیا غرور و نخوت) به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: کیست که دوباره این استخوان پوسیده متلاشی شده را زنده کند؟ خداوند به پیامبرش می فرماید: «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ» (۵) به او بگو: همان خدایی که مرتبه اول او را آفریده، بعد از متلاشی شدن هم می تواند دوباره آن را خلق کند. اگر سازنده کالایی بگوید که من محصول کارخانه ام را باز کرده و دوباره به هم متصل می کنم، سخن گزافی نگفته است، زیرا ساختن از باز کردن و دوباره بستن مهم تر است. ب: حضرت عُزَیر علیه السلام در سفری از کنار آبادی خراب شده ای عبور می کرد، از روی تعجب (نه انکار) پرسید: چگونه خدا اینها را پس از مرگ زنده می کند؟! خداوند همانجا جان او را گرفت و بعد از صد سال زنده کرد و از او پرسید: چقدر در اینجا مانده ای؟ آن پیامبر گفت: یک روز یا نصف روز. خداوند فرمود: تو صد سال است که اینجا هستی، به الاغی که سوارش بودی و غذایی که همراه داشتی نگاه کن و قدرت خدا را دریاب که چگونه الاغ، مرده و پوسیده و متلاشی شده، ولی غذایی که باید بعد از یکی دو روز فاسد شود، صد سال است که سالم نگهداری شده است، حالا برای اینکه زنده شدن مردگان را با چشم خود ببینی نگاهی به همین استخوان های پوسیده الاغ کن که در جلو چشم تو آنرا از زمین بلند و گوشت و پوست و روح را به او بر می گردانیم تا برای آیندگان نشانه و درسی باشد.